



جنبش جوانان و شعارهای سلبی

سیاوش دانشپور

حمله متقابل و دسته جمعی گروه‌های جوانان گرفتند. خاتمی سردهسته اوپاش دولتی، جوانان را "اراذل و اوپاش" نام گذاشت و حزب الله و پاسدار و بسیجی را به جانان انداخت. عده زیادی را دستگیر کردند، اما فورا خودشان از آزادی اکثر دستگیر شدگان حرف زدند. بخشا نیز اینکار را کردند که جوانان را "تحریک" نکنند. کسانی که چند ماه پیش در خیابان شلاق میزدند و از تریبون نماز جمعه و رسانه‌ها برای جوانان عریبه می

ادامه در صفحه ۲

جنبش اعتراضی جوانان دوره پر حرارتی را پشت سر گذاشت. دوره ای که خیابانها و میدانها توسط جوانان قرق شد و حکم شان را کف دست سران رژیم اسلامی گذاشتند. دوره ای که جهان به این موج جدید اعتراضی در ایران خیره شد. همه دیدند و شنیدند که جوانان ایران، مانند جنبشهای اعتراضی جوانان در اروپای غربی، جشن خیابانی راه می اندازند و میرقصند. همه فهمیدند و اعتراف کردند که این نسلی معترض به وضع موجود و قوانین دست و پاگیر اسلامی است و با متحجرین حاکم در ایران خوانائی ندارد. میخواهند آزاد باشند، امروزی زندگی کنند، و امکان بروز شخصیت فردی و اجتماعی شان را داشته باشند. یک وجه مهم این اجتماعات بیان تمایلات

عشق و پیوندهای عاشقانه بین انسانها یک واقعیت و موجودیت مادی است، هوایی و هیپروتی نیست، ازلی و ابدی نیست و تغییر می کند. منظورم این است که رابطه عشقی و جنسی انسانها موضوع تغییر است و آدمها بنا بر طبیعت خود و تغییر شرایط مادی شان در طول دوره زندگی خود می توانند تجربه های عاشقانه متعدد و زندگی جنسی موازی با آن را داشته باشند. همینجا باید اضافه کنم که پیوندهای عاشقانه و رابطه جنسی بین انسانها مانند همه جنبه ها

به خوانندگان نشریه جوانان کمونیست

بدنبال انتخاب من بعنوان دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست، به لحاظ زمانی امکان سردبیری نشریه جوانان کمونیست را نخواهم داشت.

رفیق ثریا شهابی سردبیری این نشریه را از شماره ۱۶ عهده دار خواهد بود.

باتشکر از رفیق ثریا شهابی

بهرام مدرسی
دبیر کمیته مرکزی سازمان
جوانان کمونیست

۴ دسامبر ۲۰۰۱

اطلاعیه پایانی پلنوم دوم کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

صفحه ۲

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر

۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۲۵ شب

بوقت تهران

radio7520@yahoo.com

به دیگران اطلاع بدهید

تلفن:

0044 771 461 1099

اطلاعات و پیامگیر رادیو

0044 208 962 2707

عشق، عرفان و انسان گفتگویی با پروین کابلی و اعظم کم‌گویان

نظامهاست. گفته سعود ال صباح از زنان آزاده عرب در این مورد: خصلت نماست. او می گوید: آزادی و جامعه آزاد فقط این نیست که مرد بدور از تهدید در پاره مسایل سیاسی حرف بزند، آزادی واقعی زمانی وجود دارد که زن بدون اینکه کشته شود درباره معشوقش آزادانه حرف بزند. رژیمهای سرکوبگر و بویژه دولتهای اسلامی، و روابط نابرابر اقتصادی و اجتماعی همگی مهر خود را بر مفهوم عشق و زندگی

ادامه در صفحه ۳

عشق و پیوندهای عاشقانه بین انسانها یک واقعیت و موجودیت مادی است، هوایی و هیپروتی نیست، ازلی و ابدی نیست و تغییر می کند. منظورم این است که رابطه عشقی و جنسی انسانها موضوع تغییر است و آدمها بنا بر طبیعت خود و تغییر شرایط مادی شان در طول دوره زندگی خود می توانند تجربه های عاشقانه متعدد و زندگی جنسی موازی با آن را داشته باشند. همینجا باید اضافه کنم که پیوندهای عاشقانه و رابطه جنسی بین انسانها مانند همه جنبه ها

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنبش جوانان و شعارهای سلبی

کشیدند، موش شدند. جوانان با یک حرکت حساب شده نه فقط پاسخ مناسبی به سیاست مجازات در ملا عام دادند بلکه خودشان را در موقعیتی بهتر برای دور بعد قرار دادند. جنبش جوانان در ایندور رودروئی با جمهوری اسلامی پیروز شد. این پیروزی اعتماد به نفس سیاسی و اجتماعی جوانان و جامعه ایران را در تقابل با رژیم اسلامی تقویت کرد. در عین حال فعالین این جنبش در جریان این اعتراضات بیشتر به نکات ضعف و کمبودها واقف شدند. فوتبال و فضای مناسبی که باز میکرد، و بدست و خردمندان از آن بهره گرفته شد، تمام شد. اما نه جمهوری اسلامی در موقعیت سه ماه پیش است و نه جنبش جوانان. این موقعیت جدید و این پیروزی را جوانان باید مبنای تلاشهای بعدی قرار دهند. بعد از ماجرای ۱۱ سپتامبر اسلام سیاسی بیش از پیش تضعیف شده است، خواست مرگ طالبانهای ایران حرف دل همگانی است، جمهوری اسلامی در بن بست و بحرانی همه جانبه دست و پا میزند و جنبشهای اعتراضی هر روز بیشتر به سرنگونی حکومت طالبانهای ایران فکر میکنند. گام بعدی ما باید روشن تر و قوی تر باشد. این مستلزم فائق آمدن به کمبودهای ایندوره، سازماندهی جوانان به روشهای مختلف در ابعاد گسترده، و متحد کردن نیروی وسیعتری حول شعارهای سلبی است. در مورد جوانب مختلف سازماندهی و سبک کار، در مقالات جوانان و کار کمونیستی صحبت کردیم. اینجا در باره شعارهای سلبی نکاتی را تاکید میکنیم.

چرا شعارهای سلبی

جوانان و اکثریت عظیمی از ما مردم ایران از ته دل میخواهیم که سر به تن رژیم اسلامی نباشد. ما میخواهیم این رژیم برود. جنبش ما نماینده "نه" تا به آخر به رژیم اسلامی و نفی نظامی است که این حکومت منحوس از آن حراست میکند. خواستهای امروز و فردای ما روشن و شفاف است. ما رژیم اسلامی در هیچ شکل آن نمیخواهیم. ما به هیچ قانون و مناسباتی که منشا مذهبی دارد گردن نمیگذاریم.

جامعه باشد. تنها جنبشی میتواند بگوید "اعدام و زندانها و شکنجه فوراً لغا باید گردد!" که در آزادی بیقید و شرط بیان و تحزب و اعتصاب و تظاهرات ذینفع است.

نگاهی ساده به جنبشهای اجتماعی جامعه ایران، و خط رسمی کمابیش مشترک جریانات متعلق به آنها، نشان میدهد که کمپ راست جامعه در اساس خواهان حفظ وضعیت موجود است. شعارها و سیاستهای این بخش اپوزیسیون نیز بیانی از اهداف اجتماعی آنها و تلقی از "آزادی و حق" بشر است. جنبش ملی - اسلامی که بخشی از آن فی الحال حکومت میکند و بخشهای دیگرش به "برادران" حکومتی مشاوره خیرخواهانه میدهد که برای جلوگیری از طغیان مردم باید دست از "انحصار طلبی" بردارد. منظور اینها از "اصلاحات" و "تحول سیاسی" پهن کردن سفره حکومت است. اینها به رژیم اسلامی نمیگویند رژیم مرتجع و ضد مردم، میگویند "انحصار طلب" و "تمامیت خواه". منظورشان اینست که چرا "انحصار طلبان" اینها را بازی نمیدهد و "خودی و غیر خودی" میکند. این حرف کل جریانات متعلق به جنبش ملی - اسلامی در حاشیه و بیرون حکومت است. اینها مشکل اساسی با حکومت مرتجع و واپسگرای اسلامی ندارند، میخواهند کمی تعدیل شود که خودشان هم به صدارتی برسند. اینها نام تلاش برای سرپا نگهداشتن حکومت و شراکتشان در رژیم را "مردمسالاری" و "جامعه مدنی" گذاشته اند. در این سیستم فکری جایی برای نفی وضعیت موجود و یا دفاع از آزادی و برابری همه مردم وجود ندارد.

جنبش دیگر کمپ راست جامعه، جنبش ناسیونالیسم ایرانی و طرفداران حکومتهای مستبد و پلیسی است. از طرفداران آمریکا و بانک جهانی تا رژیم سابقها و جمهوریخواهان و ملیون ناراضی. عمده جریانات وابسته به این طیف تا همین یکسال اخیر چشم به کرامات آقای خاتمی دوخته بودند و به مردم فراخوان میدادند که در "انتخابات" شرکت کنید. امروز اینها بدنال ناکامی ها در بند و بست با رژیم اسلامی و در پرتو اوضاع بین المللی جدید، بحث "رفراندوم" و حکومت "مردمسالار" غیر دینی را طرح میکنند. الگوی اینها برای آینده

اطلاعیه پایانی پلنوم دوم کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

پلنوم دوم کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست در روزهای شنبه و یکشنبه ۱ و ۲ دسامبر ۲۰۰۱ برگزار شد.

در این جلسات فعالیتهای سازمان جوانان از پلنوم اول تا پلنوم دوم مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. در رابطه با فعالیتهای سازمان در اروپا بر لزوم گسترش فعالیت به زبانهای محلی در اروپا و تبلیغ و دخالت در جنبشهای اعتراضی تاکید شد. در رابطه با فعالیتهای سازمان در ایران پس از بحث در رابطه با جنبش جوانان در ایران بر ادامه فعالیتهای سیاستهای تاکنونی تاکید شد. مسئله تامین مالی سازمان یکی دیگر از نکاتی بود که در آن بر لزوم گسترش صندوقهای کمکمالی و ادامه پروژههای مالی تاکید گردید.

آرایش کمیته مرکزی یکی دیگر از مسائلی بود که پلنوم به آن پرداخت. پلنوم به دلیل درگیر بودن رفیق بهروز مدرسی در سایر امورات حزبی و به پیشنهاد او انتخابات دبیر کمیته مرکزی را در کنار انتخابات هیئت اجرایی در دستور خود نهاد.

رفقا بهروز مدرسی، نه بهز احمدزاده و بهرام مدرسی بعنوان هیئت اجرایی و رفیق بهرام مدرسی بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شدند.

پلنوم در پایان رفقا آرمان مرادی، کوهستان راستی، لیلا روشن ضمیر، بهنام قیاسی نژاد، بهنود قیاسی نژاد و امید حدابخشی را بعنوان مشاورین کمیته مرکزی انتخاب کرد.

کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

۳ دسامبر ۲۰۰۱

ایران یا سلطنت است و یا حکومتی مشابه دیکتاتوری ترکیه و پاکستان و مبتنی به سرکوب و اختناق عریان برای بازسازی سرمایه داری در ایران. در قاموس اینها آزادی بیقید و شرط سیاسی "هرج و مرج" است و حفظ مذهب و نهاد مذهب وسیله ای برای "رفع نیاز روحی و معنوی انسانها". برای اینها هنوز زن "گدبانوی خوب ایرانی" است و جوانان "سرمایه ملی" برای کار ارزان. اینها، و بعد از بیش از دو دهه جنایت اسلام در ایران، حرفشان را با "خداوند نگهدار ایران باد" شروع و تمام میکنند. بجای طرح منشور سیاسی و اهداف اجتماعی شان، "وحدت کلمه" معروف خمینی را با مضمون "امروز فقط اتحاد" تکرار میکنند. برای اینها ارتش و ارگانهای سرکوب وسیله ای لازم برای حفظ "نوامیس ملی" و ابقای سازمانهای جاسوسی اطلاعات و ساواک بهانه ای برای "حفاظت کشور از دخالت اجنبی" است. این جنبش نیز بنا به ماهیت ارتجاعی و اهدافی که دنبال میکند، خواهان تحول جامعه به سمت پیشرفت و آزادی نیست و خود را در آن ذینفع نمیداند. ناسیونالیسم و مذهب، بعنوان دو ارتجاع، کم و بیش پایه فکری جنبشهای کمپ راست در جامعه ایران است. ناسیونالیسم و مذهب، چه بعنوان ایدئولوژی و تفکر سیاسی و چه بعنوان احزاب و جنبشهای اجتماعی، سر سوزنی به امر آزادی بشر ربط ندارند و در صد سال گذشته در ایران ارتجاع سیاسی و حکومتهای استبدادی را برای مردم به ارمغان آورده اند. کمونیسم کارگری جنبش قطب سیاسی و طبقاتی متفاوتی را نمایندگی میکند. کمونیسم کارگری نماینده آرزوها و آمال انسانی بشر امروز است. تنها کمونیسم کارگری که کوچکترین نفعی در وجود و تداوم ارکانهای ستم در جامعه ندارد، میتواند نماینده نفی وضع موجود و برپائی یک دنیای بهتر باشد. تنها این جنبش است که با طرح شعارهای سلبی "نه به جمهوری اسلامی!"، "نه به حکومت مذهبی!"، "نه به ارتجاع و استبداد!" و "نه به استثمار و بیحقوقی!"، یک جامعه سکولار و آزاد و برابر را نوید میدهد. تنها این جنبش است که تمایلات

ادامه در صفحه ۴

عشق، عرفان

انسان ، ، ،

عاشقانه و جنسی انسانهای امروز می زنند.

پروین کابلی: عشق عبارت یا کلمه ای است که ما انسانها برای بیان احساساتمان بکار میبریم. مثلا عشق به جنس مخالف و یا موافق، عشق به زندگی. عشق بیان زیباترین احساسات انسانی است به هر آنچه که زیباست و دوستش داریم. عشق مفهوم دیگر به زندگی و زیستن میدهد. عشق به انسانها، باور به یک زندگی بهتر و انسانی تر مفهوم وسیعتر و انسانی تری به عشق میدهد. عشق جزئی از زندگی و حتی به نوعی خود زندگی است. بدون عشق زندگی معنا و مفهوم واقعی خود را از دست میدهد. بشر و جامعه بشری بدون عشق ورزیدن به هر چیزی که انسانی است میمیرد و از بین میرود. عشق و دوست داشتن جزو ذات بشر است.

جوانان کمونیست: عشق عرفانی یا مذهبی را چطور میبینید؟

پروین کابلی: عشق عرفانی و مذهبی یعنی خود بیگانگی بشر با احساساتش و با هر آنچه که نیازهای طبیعی او را برآورده میکند. زمانی که انسانها نتوانند آنطور که خود و طبیعت انسانیشان میخواهد احساسات خود را به طرف مورد علاقه شان نشان دهند، زمانیکه معیارها و ارزشهای دیگری جز

برنامه رادیویی سازمان جوانان کمونیست از رادیواترناسیونال

۴۱ متر

۷۵۲۰ کیلو هرتز

هر هفته شنبهها

۹:۳۰ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

ارزشهایی که به طبیعت واقعی انسانها نزدیک است، به فاکتورهایی برای کنترل احساسات انسانی او تبدیل میشوند، آتوق مفاهیمی مانند عشق عرفانی و مذهبی جایگاه خود را میبندد. نمونه عشق هایی که در ادبیات ایران وجود دارد مانند عشق لیلی و مجنون ویا شیرین و فرهاد، نمونه هایی از عشق های عرفانی هستند. دراین عشق ها دیگر این انسان و احساسات انسانیش نیست که غالب است. آنچه که عمل میکند فاکتورهای دیگری مثل مذهب و فرهنگ عقب مانده میباشد. اگر شیرین و فرهاد و یا لیلی و مجنون به قرنهای قبل تعلق دارند همین امروز هم میبینیم به یمن حاکمیت مذهب اسلام در ایران، عقب مانده ترین روابط و معیارها بر طبیعت انسان غلبه دارند، جایی که مذهب در کوچکترین مسئله شخصی انسانها دخالت میکند. جایی که کنترل زیباترین احساسات انسانی از طریق خرافات مذهب، انجام میگیرد، دیگر طبیعت واقعی و احساسات انسانی آنطور که باید نمیتواند خود را نشان دهد. ادبیات ایرانی پر است از تصاویری از صحنه های جدایی و فراق.

موزیک، نقاشی، همه چیز تحت تاثیر این وضعیت قرار میگیرد. در این جامعه یکی از ارکان تربیت، کنترل نفس میباشد. انسانها یاد میگیرند که از چه تمایلاتی صحبت کنند و یا چگونه این تمایلات را مخفی کنند. جوانانی که در سن بلوغ هرمونهای جنسیشان فعال میشود و بنا به این فعال شدن ممکن است تمایلات جنسی متفاوتی از خود نشان دهند، جوانان هرزه و یا بی اخلاق لقب میگیرند. دختران در این سنین موقعیت بسیار حساسی دارند. پسران امکانات بیشتری برای نشان دادن تغییرات جنسی خود دارند. ظاهرا قابل قبول تر است که پسران یا دختران رابطه بگیرند و یا به آنها تمایل نشان دهند. ولی برای دختران این غیر قابل قبول است و جامعه و خانواده هرگز قادر به پذیرش چنین مسئله ای نیست. حتی خود دختران هم یاد میگیرند که خود را کنترل کنند و تمایل واقعی خود را نشان ندهند. به این لحاظ است که دختران درسین بلوغ دچار افسردگی میشوند ویا رومانیتیک تر هستند و در خیالشان خود بیشتر تلاش میکنند که شاهزاده رویاهای خود را ترسیم کنند.

اعظم کمکویان: بنظر من عشق عرفانی یا مذهبی یکی از ارکان مهم فرهنگ شرقی از جمله فرهنگ ایرانی است. در این بینش، عشق و لذت جنسی انسان جهنمی، گناه آلود و تجسم تمایلات شیطانی هستند. در فرهنگ شرقی - عرفانی، عشق به خدا جایگزین عشق زمینی شده و در تضاد با نیازها و توقعات عاطفی و جنسی انسانها قرار می گیرد. عشق در این منطق ضد انسانی یک مقوله عرفانی و هیروتی و گریز از جهان مادی و لذتهای طبیعی است. عشق عرفانی تلخ و سوزناک و بی سرانجام، و فلسفه آن زجر و عذاب عاشاق است. ناکامی و به وصال معشوق

اکثرا روانشناسان معتقد هستند که دختران دوران بلوغ دختر و پسران. این تفاوت آشکار را میتوان در ادبیات ایران دید. کمتر زنی جرئت نموده که احساسات خود را صریح و آشکار به زبان بیاورد. نمونه این صراحت را فقط در شعرهای فروغ میتوان دید. و یا تصویر عریان بدن انسان در آثار نقاشان ایرانی و صحنه های عشق ورزی بسیار نادر است.

ادامه در شماره آینده

اسلامی و خلاصی از این بربریت، بی شک دروازه بزرگی بسوی رهایی از اسلام را باز خواهد کرد. مسیر رهایی از حاکمیت اسلام، باید بسوی رسیدن به یک تمدن انسانی باشد. جای حاکمیت اسلام باید یک تمدن انسانی که همه رنجها، دردها و مصائب حاصل از حاکمیت وحوش اسلامی را تسکین دهد، بنشیند. باید آن تمدنی را ساخت که در آن همه مردم مستقل از اعتقاداتشان، مستقل از جنسیت و سن شان، مستقل از نژاد و زادگاه و موقعیت خانوادگی شان، در آن خوشبخت و سرفراز زندگی کنند.

تمدنی که در آن هیولای مخوف اسلام هرگز نتواند از اعماق جهالت بشر سر برآورد و مردم را بیش از این آزار دهد.

از مهمترین عوامل رسیدن به آن زندگی انسانی، برخورداری همگان از حق بی قید و شرط انتقاد، حق اعتراض به مذهب و حق نفی اسلام است. از مهمترین عوامل رسیدن به آن تمدن، حق همگان در نداشتن مذهب و بی مذهبی است. باید شمشیر خونین «عدالت» اسلام را هرچه کندتر کرد و آن را از کار انداخت. باید

رهایی از اسلام، بسوی تمدن

ثریا شهبلی

یک جامعه اسلامی دچار و قطعه قطعه شود؟ آیا مردم دوست دارند که بچه هایشان را از میدانهایی که در آن چوبه های دار و بساط قلع و قمع اسلامی برپا است، عبور دهند؟ آیا مردم دوست دارند در چنین محیط هایی به سرکار و مدرسه بروند و از تریبون ها این اراجیف گوشخراش را بشنوند؟ بی تردید نه! بقا این توحش هیچ ربطی به اراده و خواست آزادانه مردم ندارد. اسلام تنها در حمایت طبقات دارد، از بدویت به دوران معاصر آمده است و زندگی میلیونها نفر بخصوص میلیونها زن را سیاه کرده است. محیط اسلامی نمی تواند فضای زندگی هیچ جانور و جاننداری باشد، چه رسد به فضای زندگی انسان! بعد از رفتن طالبان در افغانستان، نوبت رفتن جمهوری اسلامی ایران است. جوانان در ایران در کمین این رژیم ضد زندگی نشسته اند. رفتن جمهوری

«ای گروه مومنان با آنان که نزدیک شمایند از کافران، پیکار کنید و باید از شما منبعد خشونت ببینند»...، «پس، گردن کافران را بزنید و تمام انگشتان آنها را قطع کنید». از قرآن قوانین جزایی در حکومت های اسلامی همه جا، از افغانستان و عربستان تا ایران، از جمله بر مبنای این حکم اسلام نوشته شده است. چرا این ارجیف هنوز در فضای زندگی بشر در گشت و گذار است؟ چرا این احکام متعلق به بربریت و دوران «غارنشینی» بر سر مردم بیچاره در عربستان و افغانستان و ایران نازل میشود؟ آیا مردم ایران آن را دوست دارند؟ آیا مردم از زندگی در جامعه ای که در آن این احکام قرون وسطایی جاری است، لذت می برند؟ آیا خانواده ها، پدران و مادران، دوست دارند که مثلا اگر روزی نوجوان و کودکشان در وجود خدا «شک» کرد، به سرنوشت «کافران» در

اسلامی و خلاصی از این بربریت، بی شک دروازه بزرگی بسوی رهایی از اسلام را باز خواهد کرد. مسیر رهایی از حاکمیت اسلام، باید بسوی رسیدن به یک تمدن انسانی که همه رنجها، دردها و مصائب حاصل از حاکمیت وحوش اسلامی را تسکین دهد، بنشیند. باید آن تمدنی را ساخت که در آن همه مردم مستقل از اعتقاداتشان، مستقل از جنسیت و سن شان، مستقل از نژاد و زادگاه و موقعیت خانوادگی شان، در آن خوشبخت و سرفراز زندگی کنند.

تمدنی که در آن هیولای مخوف اسلام هرگز نتواند از اعماق جهالت بشر سر برآورد و مردم را بیش از این آزار دهد.

از مهمترین عوامل رسیدن به آن زندگی انسانی، برخورداری همگان از حق بی قید و شرط انتقاد، حق اعتراض به مذهب و حق نفی اسلام است. از مهمترین عوامل رسیدن به آن تمدن، حق همگان در نداشتن مذهب و بی مذهبی است. باید شمشیر خونین «عدالت» اسلام را هرچه کندتر کرد و آن را از کار انداخت. باید

از سایت روزنه دیدن کنید!

در سایت روزنه می‌توانید نشریات و اطلاعاتی از سازمان‌های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده‌ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه می‌توانید به سایت کلیه احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید. دیگر لازم نیست که به سایت‌های مختلف رجوع کنید با مراجعه به سایت روزنه می‌توانید به آخرین اخبار ایران، احزاب سیاسی و گروه‌های ایرانی دسترسی پیدا کنید و مطالب آنها را مطالعه کنید.

www.rowzane.com - Rowzane@yahoo.com

سومین کنفرانس مدوسا

نه روسری نه توستری

جنبش برابری طلبی زنان در ایران از ۱۳۵۷

مدوسا سومین کنفرانس خود را در لس آنجلس، آمریکا در تاریخ ۱۹ و ۲۰ ژانویه ۲۰۰۲ برگزار می‌کند.

جنبش برابری طلبی زنان از انقلاب ۵۷ وارد دوره نوینی شد و دچار تحولات بسیار عمیقی گردید. در کنفرانس سوم مدوسا این جنبش، تحولاتی که از سرگذرانده، و آینده آن از زوایای مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. سخنرانان:

شهره آغداشلو، مینا احدی، مهناز افخمی، الهه امانی، هما سرشار، نهضت فرودی، اعظم کم

گویان، آذر ماجدی، آذر نفیسی،

پرتو نوری علاء

محل کنفرانس: دانشگاه یوسی ال ا

علاقه‌مندان شرکت در کنفرانس می‌توانند از طریق زیر با ما تماس بگیرند.

تلفن: ۱۷ ۵۰ ۵۳۳ ۷۷۶ ۴۴+

فکس: ۸۵ ۸۳ ۱۳۵ ۸۷۰ ۴۴+

جنبش جوانان و شعارهای سلبی

قوی سکولاریستی، ضد مذهبی، آزادیخواهانه و برابری طلب کارگران، جوانان و اکثریت مردم ایران را نمایندگی می‌کند. حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست پرچم حزبی و متشکل این جنبش است. پرچمی که آزادی و برابری بشر را همین امروز عملی می‌داند و جمهوری سوسیالیستی و حکومت شوراهای را ضامن اجرا و تحقق آن می‌داند. اهمیت شعارهای سلبی در شرایط امروز و در روند مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی در اشراف به راهی است که باید طی کنیم. اهمیت این شعارها در تقویت صف مستقل جنبش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و امر آزادی و برابری، و متمایز کردن آن از ارتجاع سیاسی در اپوزیسیون است که می‌خواهد اساس وضع موجود را نگهدارد. آنچه که خود را در شعارهای سیاسی منعکس می‌کند اختلاف برسر

فرم درخواست عضویت در سازمان جوانان کمونیست

در راه مبارزه برای یک‌جامعه آزاد و برابر به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

سال تولد:

نام و نام خانوادگی:

تلفن:

آدرس پستی:

تاریخ:

امضا:

آدرس e mail:

لطفا فرم را به آدرس پستی زیر بفرستید.

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515 29 628

لیلا روشن ضمیر

دانمارک:

0044 776 110 66 83

فرشاد پویا

انگلستان:

0049 163 26 93 033

نه‌به‌ز احمدزاده

آلمان:

0046 70 48 68 64 7

مریم طاهری

سوئد:

0049 174 944 02 01

بهرام مدرسی

دبیر کمیته مرکزی:

www.haftegi.com

www.rowzane.com

از این سایت‌ها دیدن کنید:

www.wpiran.org

www.hambastegi.org

www.wpi briefing.com

www.medusa2000.com

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان کمونیست

سردبیر: بهرام مدرسی

0049 174 944 0201

تلفن:

www.jawanan.org

آدرس سایت:

email: javanane-komunist@web.de

Jawanan

آدرس پستی:

Postfach 62 05 15

10795 Berlin /

Germany

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!